

خبر	
بلمویرگه: اعراب منطقه از آتش‌بس نیم‌بند غزه نگران هستند	
	
توافق آتش‌بس در غزه بیش از آنکه صلحی پایدار باشد، سازشی موقت است که آرامشی شکننده را فراهم کرده، اما ریشه‌های سیاسی، نظامی و انسانی بحران را همچنان حل‌نشده باقی گذاشته‌است.	
به گزارش ایسنا، رسانه آمریکایی در تحلیلی به بررسی ابعاد منطقه‌ای توافق آتش‌بس غزه پرداخته و نوشته است که این توافق هرچند باعث آرامش موقت شده، اما در میان کشورهای عربی که نقش مهمی در میانجی‌گری داشتند، احساس نگرانی و بی‌اعتمادی نسبت به آینده وجود دارد. این گزارش تأکید می‌کند که کشورهای عربی ترکیبی از امید و احتیاط را تجربه می‌کنند و همزمان از نبود چارچوبی روشن برای آینده سیاسی و امنیتی غزه نگران هستند.	
شبکه «بلمویرگ» در وبگاه خود می‌نویسد: مقام‌های کشورهای منطقه گفته‌اند هنوز پرسش‌های اساسی درباره نحوه تأمین هزینه بازسازی غزه، حضور نیروهای حافظ صلح، آینده جنبش حماس و پایبندی اسرائیل به تعهداتش بی‌پاسخ مانده است. در همین راستا، «بدر السیف»، استاد دانشگاه کویت گفته است که کشورهای عربی و اسلامی، به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، وارد «زمنه‌های ناشناخته» شده‌اند و افزودند است: «آیا ما قرار است درگیر تقابلی با حماس شویم و کارهای اسرائیل را برایش انجام دهیم؟ همه‌چیز بیش از حد مبهم به نظر می‌رسد.» این رسانه آمریکایی نوشته است که مصر، قطر و ترکیه به‌عنوان میانجی‌های اصلی تلاش زیادی برای امضای طرح ۲۰ ماده‌ای صلح انجام دادند، با وجود آنکه می‌دانستند مسیر بازسازی و ثبات در غزه دشوار خواهد بود. بلمویرگ یادآور می‌شود که بمباران‌های رژیم صهیونیستی بخش‌های وسیعی از نوار غزه را ویران کرده و بازسازی آن صدها میلیارد دلار هزینه خواهد داشت؛ در حالی‌که همزمان افکار عمومی در کشورهای عربی بیش از پیش به حمایت از آرمان فلسطین گرایش یافته است.	
به نوشته این گزارش، خلع سلاح حماس یکی از شروط اصلی تل‌آویو است و در مقابل، این جنبش از آغاز جنگ همواره بر خروج کامل نیروهای صهیونیست از غزه تأکید کرده است. بلمویرگ خاطرنشان می‌کند که هیچ‌یک از این ۲ خواسته هنوز تحقق نیافته است. در همین حال، نیروهای امنیتی حماس بار دیگر بر بخش‌هایی از غزه در حال تثبیت حضور خود هستند، در حالی‌که نیروهای صهیونیست هنوز بخش‌هایی از منطقه را در کنترل دارند و وزیر جنگ رژیم صهیونیستی نیز وعده داده که عملیات تخریب تونل‌های حماس ادامه خواهد یافت.	
در مرحله نخست توافق که شامل تبادل اسرا است، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی خود در پارلمان رژیم صهیونیستی از این توافق به‌عنوان «طلوع تاریخی خاورمیانه جدید» یاد کرده است. با این حال، مقام‌های قطری که یکی از میانجی‌های اصلی این روند بودند، ابراز امیدواری کرده‌اند که این وعده واقعا محقق شود.	
در عین حال، دیپلمات‌های عرب منطقه به بلمویرگ گفته‌اند اختلاف‌نظرهایی میان کشورهای عربی بر سر جزئیات توافق وجود دارد؛ برخی معتقدند امتیازات بیش از حدی به رژیم صهیونیستی داده شده و برخی دیگر خواستار اخراج کامل حماس از غزه بوده‌اند. در ادامه، این رسانه آمریکایی به نقل از «اوریل آبولوف» استاد دانشگاه تل‌آویو و استاد مدعو دانشگاه کورنل، نوشته است که این توافق در واقع «توافق صلح» نیست، بلکه «پیمان بقا برای رهبرانی است که از تداوم درگیری سود می‌برند.» بلمویرگ همچنین به نقل از یک مقام عرب حاضر در نشست مصر می‌نویسد که طرح ترامپ «شکننده و ناپایدار» است. یک مقام اروپایی نیز هشدار داده که توافق کنونی هیچ راه‌حلی برای بحران انسانی در غزه ارائه نمی‌دهد، جایی که ده‌ها هزار نفر زخمی هستند و بر اساس گزارش نهادهای وابسته به سازمان ملل، قحطی اعلام شده است. در بخش دیگری از گزارش، یک دیپلمات غربی مستقر در یکی از کشورهای خلیج فارس گفته که گرچه اجرای مرحله نخست توافق امکان‌پذیر است، اما سایر مراحل آن صرفاً «جنبه‌ای آرمانی» دارد و احتمال آغاز مجدد درگیری‌های منطقه‌ای همچنان بالاست.	
در پایان، بلمویرگ از قول «آنا جاکویر» عضو مؤسسه مطالعات کشورهای عربی خلیج فارس و واشنگتن می‌نویسد: «با وجود حجم عظیمی از مسائل حل‌نشده، کشورهای عربی چاره‌ای جز پیش‌روی ندارند. آن‌ها در تلاش‌اند تا توجه ترامپ را حفظ کنند، بر هر ۲ طرف — اسرائیل و حماس — فشار بیاورند و از ادامه روند مذاکره و پایبندی به توافق‌الطمینان حاصل کنند.»	

تصمیم ایران برای نپذیرفتن دعوت نشست شرم‌الشیخ، اقدامی راهبردی و حساب‌شده بود که با هدف جلوگیری از مشروعیت‌بخشی به روندهای تحمیلی رژیم صهیونیستی اتخاذ شد و تمرکز بر ضرورت آتش‌بس واقعی و پایان کشتار مظلومان زان و کودکان فلسطینی دارد.

به گزارش نور نیوز نشست شرم‌الشیخ در حالی برگزار شد که در پشت صحنه، فشارهای گسترده‌ای از سوی برخی بازیگران غربی برای کشاندن ایران به این میز وجود داشت. هدف پنهان این نشست، ایجاد تصویری از اجماع منطقه‌ای حول محور طرح‌هایی بود که عملاً بدون حضور نمایندگان واقعی ملت فلسطین طراحی شده‌اند. در چنین شرایطی، حضور ایران می‌توانست به‌صورت ناخواسته، مشروعیت‌بخش به سازوکارهایی باشد که در ظاهر با شعار «توقف درگیری‌ها» اما در واقع برای بازسازی موازنه قدرت به نفع رژیم صهیونیستی شکل گرفته‌اند. تصمیم تهران برای عدم حضور، پاسخی قاطع به این روند بود. ایران نشان داد که در حوزه دیپلماسی، «حضور صرف» ملاک اعتبار نیست؛ بلکه «نحوه حضور» و «پیام حضور» اهمیت دارد. تهران با پرهیز از مشارکت در سازوکارهای نمایشی، بر این نکته تأکید کرد که راه‌حل بحران غزه باید از مسیر گفت‌وگوهای واقعی، شفاف و با محوریت مردم فلسطین طی شود، نه از مجاری توافقات پشت‌پرده قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

حفظ توازن میان آتش‌بس و جایگاه مقاومت

از منظر میدانی، آتش‌بس موقت، تنها زمانی می‌تواند مؤثر باشد که با تضمین‌های عملی همراه باشد؛ حال آنکه در تجربه‌های اخیر، رژیم صهیونیستی

به گزارش خبرنگار سیاست خارجی ایرنا؛ «آماده مذاکره با ایران هستم» ترجیع‌بند سخنرانی‌های اخیر رئیس‌جمهور آمریکا از زمان امضای آتش‌بس میان حماس و رژیم اسرائیل و پایان جنگ در غزه است. گزاره‌ای که با دو رویکرد خوشبینانه و بدبینانه می‌توان آن را مورد ارزیابی قرار داد. در نگاهی آغشته به سوطن، اعلام آمادگی برای گفت‌وگو در مهر سال جاری برای تهران یادآور همان اعلام در اسفند سال گذشته است که پس از پذیرش مذاکره از سوی تهران و برگزاری ۵ دور گفت‌وگو، ایران بمباران شد. در خوشبینی کاملاً محتاطانه‌ای هم می‌توان گفت ترامپ و آمریکا امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تغییر کانون تمرکز خود در غرب آسیا به شرق آن هستند و از این رو برای پایان دادن به منازعات موجود در این منطقه آماده گفت‌وگو.

در هر دو این نگاه اما آنچه برای ایران اهمیت ویژه دارد

ایستادن بر سر منافع خود در هر شرایطی است.

چرا ایران مذاکره نمایشی را نمی‌پذیرد؟

دونالد ترامپ؛ پیش و شاید بیش از آنکه رئیس‌جمهور آمریکا شود و باشد، تاجری شناخته شده در این کشور و جهان بود و است. وی در کتاب «هنر معامله» جمله‌ای دارد به این مضمون که در معامله ابتدا درخواست بزرگ مطرح و سپس با فشار مداوم سعی کنید به آن برسید. جمله‌ای که ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود آن را از بنگاه‌های اقتصادی جهان در دستور کار قرار دهد، نگاهی که در ارتباط با ایران هم تلاش می‌کند به نوعی آن را اجرا کند با این تفاوت که معامله با تهران آدابی دارد که مقداری با بخش‌های دیگر جهان متفاوت است.

ایران دارد؛ ماهیتی که سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار داده و اجازه تن دادن به هر معامله‌ای را نمی‌دهد اما حتی اگر چنین ماهیتی هم وجود نداشت، نگاه منطقه به مذاکره‌خوانی ترامپ هم پذیرفتن آن را با تردیده‌های عقلانی روبرو می‌ساخت.

واقعیت آشکار و غیر قابل انکار موجود در بطن تمام رویدادهای مستان سال گذشته تا پاییز سال جاری، به خوبی مضمق پاسخ منفی ایران به این دعوت‌ها به مذاکره را نشان می‌دهد. دعوتی که آخرین آن به شرم‌الشیخ مصر و به بهانه حضور در نشست امضای توافق صلح غزه بود.

در ارزیابی منطقی دلایل ایران در این تردید؛ «بی اعتمادی» رتبه نخست را دارد و گرچه برای ریشه‌یابی این بی‌اعتمادی تاریخی به مرداد سال ۱۳۳۲ هم سفر کرد اما نزدیک‌ترین تجربه‌های، تضعیف کننده این اعتماد میان تهران و واشنگتن؛ در ۱۵ سال و با حتی ۸ ماه اخیر است. دو برهه‌ای که اعتماد شکننده ایران برای رسیدن به زبان مشترکی با آمریکا را شکننده‌تر از هر زمانی ساخت. ۱۵ سال پیش ترامپ در حالی از برنامه جامع اقدام مشترک میان ایران و ۶ قدرت خارج شد که به تعبیر همان ۶ قدرت جهان یکی از جامع‌ترین مذاکرات و یکی از بهترین معاملات خود را در همین برجام تجربه کرده بود.

همچنین رئیس‌جمهور آمریکا در حالی با حمله «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم اسرائیل به ایران موافقت کرد که یکی از مهمترین مذاکرات جهان در پایتخت‌های عمان و ایتالیا پنج دور برگزار شده و زمان و مکان دور ششم آن نیز تعیین شده بود. تهدید، جنگ و در نهایت بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران به دست تروییکای اروپا و با ابزار اسنپک، آخرین سنگر گفت‌وگو بود که ترامپ آن را ویران کرد. خواسته بزرگ ترامپ از ایران، عدم دستیابی به سلاح‌هسته‌ای بود؛ خوسته‌ای که در ذات خود پذیرش

واکنش عراقچی به اظهارات ترامپ در کنست و شرم‌الشیخ



وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت: آقای ترامپ یا می‌تواند رئیس‌جمهور صلح باشد یا رئیس‌جمهور جنگ؛ نمی‌تواند هم‌زمان هر دو باشد.

ترامپ آداب دیپلماتیک را رعایت می‌کند؟

ژست دعوت به گفتگو

یازگشت تهران به میز مذاکره نه با دعوت به شرم‌الشیخ و نه با تهدید در کنست تل‌آویو که در رفتاری محترم و معقول امکان‌پذیر است و این نخستین بخش از آداب ورود به مذاکره با ایران است تا هر مذاکره‌ای به معامله‌ای برد-برد برای طرفین تبدیل شود.



ایران را هم به همراه داشت؛ از آن رو که برای تهران، سلاح هسته‌ای نه امنیت‌آفرین و بازدارنده است و نه

همسو با آیین و تفکر. تهران برای اعلام این پذیرش و نشان دادن حسن‌نیت خود مذاکره را پذیرفت و نیازی هم به فشار بیشتر نبود. این خواسته بزرگ به تدریج ترامپ این است که با فشار، تهدید نظامی و یا تحریم در کنگره و سنا و کاخ سفید به پرچیدن تاسیسات غنی‌سازی ایران تغییر کرد؛ نقطه‌ای که تهران آن را سال‌هاست خط قرمز خود می‌داند. حال تصور

ترامپ این است که با فشار، تهدید نظامی و یا تحریم اقتصادی، ایران به این خواسته تن خواهد داد؛ امری بعید. از آن رو که تهران برای دستیابی به این دانش هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری متحمل شده و به نوعی آن را به گزاره‌ای ماهیتی تبدیل کرده است. این اما تمام داستان نیست و شاید بخش مهم و اصلی نگرانی تهران در این پرسش نهفته است که «پس از خواسته بزرگ الف، خواسته بزرگ‌تر ب هم در راه است؟» آیا سنگر بعدی توان دفاعی ایران و پس از آن نقش‌آفرینی تهران در منطقه است؟

با چنین توصیفاتی و با شرایط سراسر ابهام، تهدید و تحریم که ترامپ علیه ایران شکل داده و هیچ‌یک از آداب و ترتیبات مذاکره به ویژه مذاکره با کشوری مانند ایران را رعایت نکرده است، هم منطق ماهیتی و هم منطق عقلایی تهران ایجاب می‌کند که تا زمانی که به تعبیر «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه شرایطی منصفانه و متوازن بر فضای مذاکره حاکم نشده، تهران از این اقدام پرهیز کند.

ایران از بامداد ۲۲ خرداد سال جاری و در پی حمله رژیم اسرائیل به تمامیت ارضی خود به این نتیجه رسید، که مذاکره با آمریکا در راستای منافعش نیست، است. از مشارکت آمریکا در این حمله و بمباران تاسیسات

هسته‌ای ایران؛ این نتیجه‌گیری قطعی شد و در مرحله بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، جایی که آمریکا در ازای دریافت اورانیوم غنی‌شده ایران، تعویق چندماهه اسنپک را پیشنهاد داد) تهران یقین حاصل کرد که هرگونه گفت‌وگویی در چنین شرایطی بی‌نتیجه و حتی خطرناک است.

آنچه تهران را به میز بازی می‌گرداند

بازگشت به نقطه صفر در روابط ایران و آمریکا و بنیان نهادن آن بر پایه احترام و انصاف و عقل، گرچه بر افق کوتاه‌مدت امری بعید به نظر می‌رسد اما مستقیم‌ترین راهی است که رئیس‌جمهور آمریکا با قدم نهادن در آن می‌تواند نشان دهد که در میدان عمل هم خواهان حل و فصل اختلاف با تهران از مسیر دیپلماسی است. جمهوری اسلامی ایران احترام به حقوق، ایستادن بر پیمان و جدیت در میدان عمل را آداب ورود به مذاکره با آمریکا می‌داند که از دیدگاه هر عقل سلیمی، این گزاره‌ها منطقی هستند.

در خارج از کشور و با حتی محدودیت‌های مبتدل در رفت‌وآمد هیات‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران

در نیویورک و مقر سازمان ملل، هیچ‌یک سیگنالی از مذاکره‌خواهی نیست و در این میان، ایران بیش و بیش از آنکه به ژست‌های سیاسی ترامپ در کنست تل‌آویو و شرم‌الشیخ مصر اعتماد کند به رویه‌های عملی و اجرایی آمریکا از رئیس‌جمهور تا وزیر امور خارجه و دبیر امور دولت این کشور اعتنا می‌کند، از آن رو که عمل را واقعیت در میدان می‌بینند نه گفتار را.

«ما هر زمان که شما آماده باشید، آماده‌ایم»، «به شما می‌گویم، آن‌ها می‌خواهند توافق کنند. تمام زندگی من در زمینه معامله بوده، و من در این کار خوب هستم. نه ایالات متحده و نه اسرائیل هیچ دشمنی‌ای با مردم

چهار ماه پیش در بمباران خانهاه و مناطق شهری در سراسر ایران دست داشته است.

آن حملات جنایت‌کارانه جان بیش از هزار ایرانی، از جمله زنان و کودکان، را گرفت. به سختی می‌توان کسی را رئیس‌جمهور صلح نامید در حالی‌که به جنگ‌های بی‌پایان دامن می‌زند و در کنار جنایت‌کاران جنگی می‌ایستد. آقای ترامپ یا می‌تواند رئیس‌جمهور صلح باشد یا رئیس‌جمهور جنگ؛ باید به یاد طور که جامعه

ایران همواره آماده تعامل دیپلماتیک محترمانه و متقابل بوده است. مردم ایران، این وارثان شایسته تمدنی کهن و غنی، به حسن نیت با حسن نیت پاسخ می‌دهند. اما ما ضمناً به طور دقیق می‌دانیم که چگونه در برابر ظلم و تحمیل مقاومت و با آنها مقابله کنیم؛ و این همان تجربه سختی است که جنگ‌طلب تیریدخت تل‌آویو به دست آورد. اما باید گفت که ما در یک مورد با رئیس‌جمهور آمریکا اتفاق نظر داریم: او درست می‌گوید که ایران نباید بهانه‌ای برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل قرار گیرد.

اگر کسی می‌خواهد فلسطینی‌ها را قربانی کند و با موجود نسل‌کشی که تشنه بلعیدن کل منطقه است هم‌پیمان شود، باید شجاعت داشته باشد که مسئولیت کامل این کار را در برابر مردم خود بپذیرد و دیگران را مقصر جلوه ندهد.

حکمت ایران در عدم شرکت در نشست شرم‌الشیخ

باشد. بیانیه وزارت امور خارجه ایران در روزهای منتهی به نشست شرم‌الشیخ، بر همین رویکرد تأکید داشت؛ اینکه راه‌حل بحران غزه از مسیر مقاومت و عدالت می‌گذرد، نه از طریق نشست‌هایی که در آن اراده ملت‌ها غایب است. این تصمیم، در واقع بازتاب دیپلماسی استقلال‌محور ایران بود؛ دیپلماسی‌ای که در برابر هر گونه فشار خارجی برای مشارکت در روندهای تحمیلی، با حفظ خویشتن‌داری و منطق مقاومت ایستادگی می‌کند. از سوی دیگر، ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ارتباطی خود با کشورهای مستقل، به‌دنبال ایجاد ائتلافی اخلاقی و انسانی برای حمایت از مردم فلسطین است. چنین رویکردی، جلوه‌ای از دیپلماسی چندلایه ایران است که نه صرفاً بر زبان اعتراض، بلکه بر ساختار همکاری و هم‌افزایی تأکید دارد.

چشم‌انداز بلندمدت، ابتکار اسلامی و پویایی منطقه‌ای

سیاست تهران در قبال نشست شرم‌الشیخ تنها یک تصمیم مقطعی نبود؛ بلکه نشانه‌ای از شکل‌گیری راهبردی بلندمدت در سیاست خاورمیانه‌ای ایران است. تهران اکنون بیش از هر زمان دیگری بر ضرورت شکل‌گیری ابتکارات

اسلامی برای مدیریت بحران غزه تأکید دارد؛ ابتکاراتی که در چارچوب سازمان

همکاری اسلامی و با مشارکت کشورهای مستقل می‌تواند شکل بگیرد. هدف این سیاست روشن است: آتش‌بس واقعی و پایان کشتار مظلومان زنان و کودکان فلسطینی، نه صلحی نمایشی با رژیم اشغالگر صهیونیستی که ماهیت آن بر پایه توسعه‌طلبی و نقض حقوق بشر است. ایران بر این باور است که هر گونه مذاکره با توافق، زمانی مشروعیت دارد که نخستین و مهم‌ترین خواسته یعنی

اخبار	
وبگاه آمریکایی: حمله ایران پناهگاه نظامی مخفی اسرائیل در قلب تل‌آویو را لو داد	
یک وبگاه آمریکایی در گزارشی تحقیقی گسترده از وجود یک پناهگاه نظامی سری رژیم صهیونیستی زیر یکی از برج‌های مسکونی در تل‌آویو پرده برداشت؛ مکانی که گمان می‌رود از اهداف موشک‌های ایران در حمله ۱۳ ژوئن بوده است.	
به گزارش ایسنا، وبگاه آمریکایی «گری زون» گزارش کرد بر پایه این تحقیق، محل این تأسیسات زیرزمینی با نام «پایگاه ۸۸» شناسایی شده است؛ مرکزی برای فرماندهی و کنترل اطلاعاتی مشترک میان ارتش آمریکا و رژیم صهیونیستی که در زیر مجتمع مسکونی «داوینچی» در محله‌ای پرجمعیت در مرکز تل‌آویو قرار دارد.	
بر اساس اسناد، ایمیل‌های درز کرده و گزارش‌های رسانه‌های صهیونیستی، این مرکز دارای ابزارلایسون الکترومغناطیسی و تأدیر امنیتی بسیار شدید است و با حمایت مالی ایالات متحده در چارچوب طرح توسعه‌ای به وسعت حدود ۶ هزار متر مربع ساخته شده است.	
به گزارش گری‌زون، پس از اصابت موشک‌های ایرانی، مقامات صهیونیستی بلافاصله نوار امنیتی گسترده‌ای در منطقه ایجاد کردند و خبرنگاران را از نزدیک شدن یا تصویربرداری از خسارات، به‌ویژه در اطراف مقر وزارت جنگ و مجتمع «عزراییلی» مجاور منع کردند.	
به گزارش ذکر شده است که «پایگاه ۸۸» به احتمال زیاد به مرکز فرماندهی قدیمی‌تر موسوم به «حفرة» متصل است که بعدها به مجموعه زیرزمینی پیشرفته‌تری با نام «دژ صهیون» یا Fortress Zion تبدیل شد.	
این افشاکاری در حالی صورت می‌گیرد که رژیم صهیونیستی بارها متهم شده است تأسیسات نظامی خود را در میان مناطق غیرنظامی پنهان می‌کند و در عین‌حال رقبای خود را به استفاده از «سپر انسانی» متهم می‌سازد. رفتاری که نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌شمار می‌آید.	

عقب‌نشینی ماکرون

احتمال تعلیق اصلاحات باز نشستگی تا انتخابات بعدی

نخست‌وزیر فرانسه در پارلمان این کشور اعلام کرد که از تعلیق طرح جنجالی افزایش سن بازنشستگی تا پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آینده حمایت می‌کند و گفت که هیچ تغییری در سن بازنشستگی اعمال نخواهد شد.

به گزارش ایسنا، «سباستین لکورو» نخست‌وزیر فرانسه در سخنرانی خود در پارلمان اعلام کرد که از تعلیق طرح جنجالی افزایش سن بازنشستگی تا پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آینده حمایت خواهد کرد. او گفت که هیچ افزایش سنی در بازنشستگی تا ژانویه ۲۰۲۸ اجرا نخواهد شد.

در سخنرانی سیاست‌گذاری خود در مجلس ملی، لکورو تأکید کرد: «در پاییز امسال پیشنهاد خواهم داد که اصلاحات بازنشستگی مصوب سال ۲۰۲۳ تا زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری به حالت تعلیق درآید.» این اظهارات در حالی مطرح شد که تصمیم «مانوئل ماکرون» رئیس‌جمهور فرانسه برای اجرای این اصلاحات در سال ۲۰۲۳ را بدون رأی پارلمان، موجی از اعتراضات سراسری را در فرانسه برانگیخته بود.

اگر پیشنهاد لکورو عملی شود، این بدان معناست که ماکرون در پیشبرد یکی از مهم‌ترین وعده‌های خود یعنی افزایش سن بازنشستگی از ۶۲ به ۶۴ سال ناکام خواهد ماند، زیرا انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه در سال ۲۰۲۷ برگزار می‌شود و دوره ریاست‌جمهوری وی به پایان می‌رسد.

نخست‌وزیر فرانسه هم‌اکنون در تلاش است تا بودجه‌ای جزئی برای سال ۲۰۲۶ را به تصویب برساند تا دولت موفق او بتواند به کار خود ادامه دهد، در حالی که با مخالفت شدید احزاب چپ سوسیالیست و راست افراطی مواجه است. هر ۲ جناح سیاسی مخالف سرسخت اصلاحات اقتصادی دولت هستند.

به نوشته رسانه‌های فرانسوی، لکورو پنجمین نخست‌وزیر منصوب‌شده توسط ماکرون در ۲ سال اخیر است و کابینه‌های پیشین یکی پس از دیگری به دل مخالفت‌های پارلمانی سقوط کرده‌اند. لکورو پیش‌تر از سمت خود استعفا داده بود، اما بار دیگر از سوی ماکرون به این سمت بازگردانده شد.

در شرایطی که این هفته ۲ رأی عدم اعتماد علیه کابینه جدید در دستور کار پارلمان قرار دارد، تغییر موضع لکورو می‌تواند نشانه‌ای از تمایل کاخ الیزه برای عقب‌نشینی در برابر فشار سیاسی باشد.



توقف کشتار غیرنظامیان محقق شود.

با توجه به شرایط فعلی، تصمیم ایران برای عدم حضور در نشست شرم‌الشیخ، در حقیقت بخشی از راهبردی وسیع‌تر است که بر سه پایه استوار است: حفظ مشروعیت مقاومت، پیگیری آتش‌بس واقعی، و طراحی چارچوب‌های اسلامی برای بازسازی و آینده غزه. این راهبرد، تصویری از ایران به‌عنوان کشوری مستقل، اخلاق‌مدار و آینده‌نگر در تحولات خاورمیانه ارائه می‌دهد.